



دانشگاه علامه طباطبایی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته مطالعات منطقه‌ای (گرایش خاورمیانه)

تحول نگرش سیاسی مرجعیت شیعه در عراق
(با تأکید بر تعامل با نظام سیاسی)

استاد راهنما:

دکتر اصغر جعفری ولدانی

استاد مشاور:

دکتر حسین سلیمی

نگارش:

امیر حسین تیموری

تیر ۱۳۸۹

با سپاس از پدر و مادر که مرا در مراحل
زندگی یاری رساندند و همچنین همه
کسانی که مرا در امر تحصیل و پژوهش
یاری کردند

فهرست مطالب

۸	فصل اول؛ کلیات تحقیق
۹	طرح مسئله
۹	اهداف، علل و ضرورت پژوهش
۹	الف) علل انتخاب.
۱۰	ب) ضرورت های انتخاب.
۱۱	ج) اهداف این انتخاب .
۱۲	پیشینه و سوابق پژوهش.
۱۳	سوالات و فرضیات
۱۴	تعریف مفاهیم و متغیرها
۱۵	جنبه‌های نوآوری و بدیع بودن موضوع
۱۶	موانع، مشکلات و محدودیت‌های پژوهش
۱۶	روش پژوهش و روش گردآوری اطلاعات
۱۶	سازماندهی پژوهش
۱۷	فصل دوم؛ چارچوب نظری
۱۸	از جامعه‌شناسی سنتی دین تا جامعه‌شناسی معاصر دین
۱۹	نهاد مرجعیت در دنیای مدرن
۲۰	مرجعیت و ادوار تاریخ اندیشه سیاسی شیعه

۲۰	دوره اول؛ دوره امیر المومنین
۲۰	دوره دوم؛ دوره رویکرد به سلطان عادل
۲۲	دوره سوم؛ دوره مشروعیت سلطان عادل
۲۳	دوره چهارم؛ دوره رویکرد به حکومت مردمی
۲۳	دوره پنجم؛ عصر ولایت فقیه
۲۵	سه نظریه عمومی در خصوص در رابطه دین و سیاست
۲۵	نظریه اول
۲۶	نظریه دوم
۲۸	نظریه سوم
۳۰	پی‌نوشت‌های فصل دوم
۳۱	فصل سوم؛ تاریخ تحركات سیاسى - اجتماعى علمای شیعه در عراق
۳۲	از فتوای تنباکو تا نهضت مشروطیت ایران
۳۳	جنگ جهانی اول و جهاد ۱۹۱۴
۳۵	قیام ۱۹۱۸ و محمد کاظم یزدی
۳۶	ثوره‌العشرین و محمدتقی شیرازی
۴۰	عصر قیومیت، سلطنت ملک فیصل و تبعید علما به ایران
۴۲	محمدحسین کاشف الغطاء و سال‌های سکوت
۴۴	چپ‌گرایی و دگردیسی نقش علما
۴۶	کودتای عبدالکریم قاسم و خوف و رجای علما

- ۵۰ ظهور دولت‌های بعث و افزایش فشار بر علما
- ۵۵ محسن حکیم؛ از مبارزه با کمونیسم تا مبارزه با بعث
- ۵۶ حزب‌الدعوه و محمدباقر صدر
- ۶۳ دهه ۱۹۷۰؛ عصر ترور و رادیکالیزه شدن جریان شیعی
- ۶۵ از انتفاضه صفر ۱۹۷۷ تا انتفاضه رجب ۱۹۷۹
- ۶۸ نامه صدام و شهادت صدر
- ۷۱ سال‌های درماندگی و انتفاضه شعبانیه
- ۷۴ ابوالقاسم خویی و سکوت‌گرایی
- ۷۶ محمدصادق صدر و نهادینه کردن هویت شیعیان
- ۷۹ پی‌نوشت‌های فصل سوم
- ۸۵ فصل چهارم؛ اندیشه سیاسی شهید صدر و کمال پروژه اسلام سیاسی در عراق
- ۸۶ صدر و گفت‌وگوی انتقادی با گفتمان چپ
- ۸۷ اقتصادنا، فلسفتنا و شرح و نقدی بر ماکسیسم
- ۹۰ سه نظریه سیاسی صدر
- ۹۲ نظریه دولت انتخابی براساس شورا
- ۹۴ نظریه ولایت مرجعیت صالح و رشید
- ۹۴ منطقه الفراغ
- ۹۵ نظریه خلافت مردم – نظارت مرجعیت
- ۱۰۰ از نظارت فقیه تا ولایت فقیه؛ شهید صدر و امام خمینی

۱۰۳	پی‌نوشت‌های فصل چهارم پ
۱۰۸	فصل پنجم؛ آیت‌الله سیستانی و عبور از خویی در عصر اشغال
۱۰۹	از قم تا نجف
۱۱۰	آیت‌الله سیستانی پس از انتفاضه شعبانیه
۱۱۱	سقوط صدام و فتوای مناقشه برانگیز مقاومت یا عدم مقاومت
۱۱۳	خروج موقت آیت‌الله سیستانی از سنت سکوت‌گرایی
۱۱۷	فتوای تاریخی ۲۶ ژوئن ۲۰۰۳
۱۱۹	بحران تابستان ۲۰۰۴ نجف و سفر سوال‌برانگیز آیت‌الله سیستانی به لندن
۱۲۱	انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ و بازگشت آیت‌الله به سکوت‌گرایی
۱۲۴	آیت‌الله سیستانی و قرارداد امنیتی آمریکا و عراق
۱۲۵	آیت‌الله سیستانی و حوادث پس از انتخابات ایران
۱۲۷	دومین انتخابات پارلمانی عراق؛ سکوت‌گرایی ادامه دارد
۱۲۹	تحول فکر دموکراسی‌خواهی مرجعیت شیعه و ماموریت عراقی آیت‌الله سیستانی
۱۳۱	آیت‌الله سیستانی، انقلاب اسلامی و ولایت فقیه
۱۳۲	آیت‌الله سیستانی؛ منتقد تجربه ایران؟
۱۳۵	آیت‌الله سیستانی؛ مدافع دولت غیرشیعی؟
۱۳۶	رد نظریه ولایت فقیه در عراق
۱۴۰	پی‌نوشت‌های فصل پنجم
۱۴۷	فصل ششم؛ نتیجه‌گیری
۱۵۴	پی‌نوشت‌های فصل ششم

۱۵۵	منابع و ماخذ
۱۵۶	منابع فارسی
۱۵۶	کتاب های فارسی
۱۵۹	مقالات فارسی
۱۶۰	گفت و گو
۱۶۱	منابع غیر فارسی
۱۶۱	کتاب های غیر فارسی
۱۶۱	مقالات غیر فارسی
۱۶۲	سایت های خبری و روزنامه ها

فصل اول

کلیات تحقیق

طرح مسأله

سقوط رژیم بعث صدام حسین در آوریل ۲۰۰۳ و به دست‌گیری قدرت توسط شیعیان در این کشور پس از بیش از ۸ دهه تسلط حکام سنی ترک تبار و عرب‌تبار باعث ظهور انواع و اقسام ایده‌ها و نظریات در خصوص آینده این کشور و حتی آینده خاورمیانه شد. عراق که در بستر طرح خاورمیانه جدید یا خاورمیانه بزرگ توسط آمریکا اشغال شد بسیاری از معادلات قدرت در خاورمیانه را به هم ریخت و این منطقه به‌طور سنتی پرچالش را آبستن تحولات جدیدی کرد. تاثیرپذیری متقابل همسایگان عراق از تحولات این کشور، ورود نفت این کشور به بازار جهانی، احیای حوزه نجف و. از متغیرهای مهم عراق جدیدند که تحولات این کشور را شایسته غور و مذاقه بیشتری می‌کنند. در این میان نقش علما و مجتهدین و به‌ویژه مرجعیت اعلای نجف در تحولات این کشور در عصر پس از اشغال از موضوعات جذابی است که بسیاری از ناظران به‌ویژه غربی را در این سال‌ها مشغول خود کرده است. با توجه به نقش ویژه مرجعیت اعلای عراق در تحولات این کشور در رساله حاضر پس از نگاهی تاریخی به سیر تحولات سیاسی و اجتماعی مرجعیت عراق به بررسی آرا فکری و نیز تحرکات سیاسی و اجتماعی دو نفر از برجسته‌ترین مراجع معاصر یعنی شهید سیدمحمد باقر صدر و آیت‌الله سیدعلی آیت‌الله سیستانی پرداخته‌ایم. درک درست از نحوه کنش مراجع عراقی از دید نگارنده یکی از راه‌های فهم مناسبات قدرت در عراق جدید است.

اهداف، علل و ضرورت‌های پژوهش

الف) علل و اهداف انتخاب:

عواملی که سبب انتخاب این موضوع به عنوان رساله کارشناسی ارشد شده از این قرار است:

- ۱- علاقه شخصی به مباحث پیرامون نسبت دین و حوزه عمومی و سیاسی
- ۲- علاقه به مناسبات نهادهای تشیع به ویژه نهاد مرجعیت شیعی
- ۳- به روز بودن موضوع و پیامدهای عملی آن در عرصه مناسبات منطقه‌ای
- ۴- شناسایی هر چه بیشتر نفوذ نهاد مرجعیت در عراق با توجه به فشار روز افزون امواج مدرنیته و جهانی شدن بر این کشور
- ۵- بررسی تاثیر کنونی این نهاد در مناسبات سیاسی و اجتماعی عراق جدید
- ۶- تاکید بر این که حتی با وجود گسترش جهانی شدن و راز زدایی از جهان به تعبیر برخی از جامعه شناسان دین، نهاد مرجعیت شیعه زنده و بالنده به حیات خود در عراق ادامه می‌دهد.

ب) ضرورت‌های انتخاب

شناخت یکی از مهم‌ترین مسائل مبتلا به عراق یعنی حوزه و حضور پرقدردت مراجع در ساختار اجتماعی و سیاسی و نفوذ در حوزه عمومی و بررسی این نفوذ در عراق از یک سو و نیز قلت منابع درخصوص شناخت اندیشه‌های آیت‌الله سیستانی با توجه به اثرگذاری وی بر ساختار سیاسی و اجتماعی عراق در هفت سال اخیر و نگاه ویژه غربی‌ها به شخصیت وی از ضرورت‌های این انتخاب بوده است.

پیشینه سوابق پژوهش

در خصوص تاریخ تحرکات و فعالیت‌های علما و مراجع عراقی کتاب‌هایی به‌ویژه به انگلیسی و عربی موجود است که برخی از آنها به فارسی هم ترجمه شده است. همچنین در لابه‌لای صفحات کتاب‌های تاریخ عمومی عراق معاصر که کم هم نیستند می‌توان در خصوص این موضوع مطالب بسیاری یافت. کتبی چون «**نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق**» به قلم عبدالله فهدنفیسی و ترجمه کاظم چاپچیان، «**نهضت اسلامی شیعیان عراق**» به قلم جویس ویلی و ترجمه مهوش غلامی، کتاب «**شیعه و حکومت در عراق**» به قلم حسن العلوی و ترجمه محمدنبی ابراهیمی، کتاب «**تاریخ حرکت اسلامی در عراق**» به قلم عبدالحلیم الرهیمی و ترجمه همان مترجم و نیز کتاب بسیار مهم **The Shi'ite Movement in Iraq** به قلم فالج الجبار که ترجمه نیز نشده از جمله آثار بسیار مهم در شناخت تاریخ حرکت شیعی در عراق به طور عام و تحرکات مراجع و علمای این کشور به‌طور خاص محسوب می‌شوند. در همین حال آثاری چون؛ «**شیعیان در جهان عرب مدرن**» به قلم اسحاق نکاش و ترجمه ارسلان قربانی شیخ‌نشین، و «**اسلام در انقلاب**» به قلم هرایر دکمجیان و ترجمه حمید احمدی، «**حزب الدعوه اسلامی**» به قلم عادل ادیب و ترجمه سیدحسین موسوی، «**شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش شده**» به قلم گراهام فولر و رند رحیم فرانکه و ترجمه خدیجه تبریزی از جمله آثار معتبری‌اند که به گونه‌ای هر چند محدود حرکت شیعیان و علمای شیعه در عراق را به نظاره نشستند. کتب تاریخ عمومی عراق نیز در این تقسیم‌بندی در دسته سوم قرار می‌گیرند.

کتاب **The Modern History of Iraq** حائز اهمیت به قلم فبه مار هر چند به تاریخ عمومی معاصر عراق می‌پردازد اما از خلال مباحث آن فعالیت شیعیان به خوبی بررسی و تحلیل شده است. اما در خصوص بررسی اندیشه‌های سیدمحمد باقر صدر و آیت‌الله سیستانی به‌طور مستقل و در مقایسه با تاریخ سیاسی شیعیان عراق آثار چندان متنوعی وجود ندارد. کتاب «اندیشه سیاسی شهید رابع» که به قلم محمدحسین جمشیدی است و به‌طور مبسوط به بررسی آراء شهید صدر می‌پردازد شاید مهم‌ترین منبع در این خصوص باشد. در این زمینه چندین مقاله نیز وجود دارد که بعضاً خود نتیجه چند کنفرانس است که به فراخور بحث از آنها استفاده شده است. دو سه مقاله مبسوط به زبان انگلیسی نیز در مورد شهید صدر و اندیشه‌هایش وجود دارد که متأسفانه نگارنده نتوانست به آنها دسترسی پیدا کند. برخی از آثار شهید صدر که البته به فارسی نیز ترجمه شده‌اند از جمله کتب برجسته او یعنی **اقتصادنا و فلسفتنا** در کنار رساله **همراه با تحول اجتهاد** مشکلات نگارنده در بررسی اندیشه‌های او را تا حدودی مرتفع کردند. در این زمینه همچنین کتاب «**نظریه‌های دولت در فقه شیعه**» به قلم محسن کدیور نیز برای فهم بهتر آرای سیاسی شهید متفکر به یاری نگارنده آمد.

از سوی دیگر اما قلت منابع فارسی و حتی انگلیسی در خصوص زندگی و اندیشه‌های آیت‌الله سیستانی کار را برای اثبات فرضیه نگارنده سخت کرد. در فارسی به جز چند فقره نوشته کوتاه ژورنالیستی ردی از بررسی اندیشه‌های این مرجع نیست و به زبان انگلیسی نیز این تلاش‌ها فقط به چند مقاله که از انگلستان یک دست فراتر نمی‌روند محدود می‌شود. نوشته‌های مهدی خلجی، خان کول، رایدر ویسر، دیوید پتل و چارلز کورزمن این مقالات را تشکیل می‌دهند. در این زمینه اما آثار مهمی که به زبان عربی به نگارش درآمده‌اند به یاری نگارنده آمدند.

در میان این آثار عربی نگارنده توانست به دو کتاب یعنی «الامام الآيت الله سيستاني؛ امه في رجل» که مجموعه‌ای از مقالات در باب شخصیت، زندگی و آرای آیت‌الله سیستانی است و حسین محمدعلی فاضلی آن را منتشر کرده است و نیز کتاب «النصوص الصادره عن سماحه السيد الآيت الله سيستاني في المساله اعراقيه» که مجموعه فتاوا، نامه‌ها، مصاحبه‌ها و بیانیه‌های زعیم نجف است و حامد الخفاف آن را گردآوری کرده است دست پیدا کند.

سوال و فرضیه تحقیق

سوال اصلی تحقیق حاضر از این قرار است؛ فضای سیاسی چپ زده و حاکمیت اقتدارگرایی عراق از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۰۳ و نیز وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تجربه ایران چه تاثیری بر قرائت آیت الله سید محمد باقر صدر و آیت الله سیستانی از اسلام داشته است؟

با توجه به این سوال نگارنده به طرح این فرضیه خطر می کند که شهید آیت الله سیدمحمد باقر صدر با توجه به فضای چپ زده و حکومت اقتدارگرایی عراق در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و نیز وقوع انقلاب اسلامی در ایران الهام بخش و منادی نوعی از اسلام سیاسی در قالب تئوریزه کردن حکومت اسلامی در عراق شد اما آیت‌الله سیستانی درست به همین دلایل یعنی وقوع انقلاب اسلامی در ایران و نیز حاکمیت اقتدارگرایی حزب بعث الهام بخش نوعی اسلام غیرسیاسی و سکوت‌گرایانه که فاقد هر نوع نظریه ای درباب حکومت است در جامعه عراق گردید.

تعریف مفاهیم و متغیرها

مفاهیم

اسلام سیاسی و غیرسیاسی: در این تحقیق شهید سیدمحمدباقر صدر نماد اسلام سیاسی در عراق شناخته شده است که به دنبال سرنگونی رژیم بعث در عراق و جایگزینی آن با یک حکومت اسلامی شبیه به ایران است. او در قالب این اسلام به تدوین قانون اساسی برای جمهوری اسلامی پرداخته است و سه نوع نظریه سیاسی برای حکومت اسلامی را تئوریزه کرده است که در هر سه و به‌ویژه در سومین نظریه علما و مراجع نقش نظارتی و حکومتی بسیار پررنگی دارند. جمع این شاخص‌ها به زعم ما وی را به نوعی از اسلام سیاسی رهنمون شده است. اما در مدل غیرسیاسی اسلام که در این تحقیق در بسیاری از موارد از آن به سکوت‌گرایی یاد شده و در مورد دو مرجع یعنی ابوالقاسم خویی و علی آیت‌الله سیستانی به کار رفته هیچ یک از شاخص‌های بالا قابل رویت نیست و مراجع مذکور هیچ نظریه سیاسی در خصوص ایجاد دولت اسلامی اقامه نکرده‌اند یا حداقل در این خصوص سکوت کرده‌اند. حتی اگر آیت‌الله سیستانی در ذهن خود به دنبال ساقط شدن رژیم صدام حسین بوده اما به جای آن به دنبال حاکمیت دینی نیز نبوده است.

چپ‌گرایی: فضای ملهم از نظریات مارکسیستی و کمونیستی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که منجر به گرایش بسیاری از جوانان عراقی به سمت این نظریات شد از یک سو و نیز ایدئولوژی حاکم بر عراق از سال ۱۹۵۸ به این سو که به سمت حذف بسیاری از نمادهای متباین با اندیشه‌های چپ یعنی مالکیت خصوصی و ضدیت با بلوک غرب پیش رفت مجموع ادبیات چپ‌گرایی در عراق را شکل می‌داد.

سکوت گرایبی: این مفهوم را نخستین بار جویس ویلی درباره آیت الله محمد کاظم طباطبایی مرجع اعلای شیعیان عراق در اوایل قرن ۲۰ به کار برده است. پس از اشغال عراق بسیاری از ناظران غربی این مفهوم را درباره آیت الله سیستانی به کار برده و منظورشان عدم ورود ایشان به حوزه حکومتداری و عرصه کلان سیاسی و فقدان نظریه سیاسی درباره تشکیل حکومت بوده است. در این تحقیق ما این مفهوم را درباره آیت الله سیستانی و نیز آیت الله خویی به کار برده ایم، با این توضیح که آیت الله سیستانی به جز مقطع ژوئن ۲۰۰۳ تا دسامبر ۲۰۰۴ مشمول این تعریف قرار می گیرد.

متغیرها

در تحقیق حاضر چپ‌گرایی منبعث از مارکسیسم و کمونیسم و سوسیالیسم، رژیم اقتدارگرای بعث، انقلاب اسلامی و تجربه ایران **متغیرهای مستقل** و نوع نگاه به دین و قرائت شخصی از اسلام از سوی شهید صدر و آیت‌الله سیستانی **متغیر وابسته** محسوب می‌شوند.

جنبه‌های نوآوری و بدیع بودن موضوع

در خصوص شهید صدر آثاری هر چند محدود به زبان فارسی موجود است اما در مورد آیت‌الله سیستانی هیچ اثری به چشم نمی‌خورد. از این رو این تحقیق حداقل در یک بعد دارای نوآوری است.

موانع، مشکلات و محدودیت‌های پژوهش

فقدان منابع فارسی و حتی انگلیسی در خصوص شخصیت و آرای آیت‌الله سیستانی و نیز آثار عمدتاً فقهی او یکی از مهم‌ترین موانع بر سر این پژوهش بود.

روش گردآوری اطلاعات

شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و رجوع به اینترنت و در یک مورد مصاحبه با حجت‌الاسلام جواد شهرستانی داماد و نماینده آیت‌الله سیستانی بود.

روش پژوهش

در این تحقیق هم از روش علی و معلولی و هم از روش توصیفی - تاریخی استفاده شده است.

سازماندهی پژوهش

فصل اول تحقیق حاضر شامل کلیات تحقیق از جمله طرح مسئله، سوال و فرضیه می‌شود. فصل دوم چارچوب نظری که در بردارنده تئوری‌های جدید جامعه‌شناسی دین و نظریات عمومی پیوند دین و سیاست و نیز ادوار مختلف تاریخ اندیشه سیاسی شیعه است می‌شود. در فصل سوم به تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه در عراق پرداخته شده است. در فصل چهارم به بررسی آرا سیاسی و اندیشه‌های شهید صدر پرداختیم. فصل پنجم نگاهی است به سیر زندگانی و نیز بررسی آرا و افکار آیت‌الله سیستانی. انتهای این رساله نیز به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

فصل دوم

چارچوب نظری

از جامعه‌شناسی سنتی دین تا جامعه‌شناسی معاصر دین

بنیانگذاران جامعه‌شناسی دین یعنی ماکس وبر، امیل دور کیهایم و گئورگ زیمل پیش‌بینی می‌کردند که سکولاریزاسیون نه تنها در جدایی دین از دولت بلکه به‌طور کل در دین از فرهنگ و ذهنیت جامعه نیز توفیق یابد جهان از دید این اندیشمندان به‌طور فزاینده‌ای روزمره و عاری از وهم و تخیل می‌شود.^۱ ماکس وبر که در خصوص ادیان برجسته جهانی تحقیقاتی بی‌نظیر پدید آورده به وضعیت جامعه غیردینی جدید اشاره می‌کند و آن را افسون‌زدایی جهان می‌نامد مقصودش از این تعبیر آن است که انسان‌ها دیگر در جهان مقدس نیروهای جادویی و فوق طبیعی محصور نیستند وبر در بررسی مذهب پروتستان و تاثیر آن بر رشد سرمایه‌داری در جهان غرب به طرح این نظریه خطر می‌کند که در جهان غیر دینی، تنها جایی که برای دین باقی می‌ماند به جای روابط عمومی، محدوده روابط بین شخصی است.^۲ وبر و همکارانش البته در باب پیش‌بینی انعطاف‌ناپذیری دین و توانایی آن در نوآوری‌های مجدد ناکام بوده‌اند. این نظریات دین زدایانه متضمن نوعی جبرگرایی‌اند که دین‌زدایی را پدیده‌ای جهانی، برگشت‌ناپذیر و حتمی قلمداد کرده‌اند و از این رو با مشکل تبیین تداوم حیات دین در جهان معاصر روبه‌رو شده‌اند. به عبارت دیگر دین در اثر فرآیندهای مدرنیزاسیون از بین نرفته بلکه تغییر شکل داده است. در مقابل اما جامعه‌شناسان معاصر تداوم وجود دین را پذیرفته‌اند و در تلاشند تا معنا و کارکرد و گستره یک دینداری نوین را تبیین کنند. یکی از جامعه‌شناسان ایرانی در این خصوص می‌نویسد: «جامعه‌شناسان دین، آخرین ربع قرن ۲۰ را برهه ناخصوصی‌سازی دین نامیده‌اند چرا که در همه جوامع از توتالیتر تا لیبرال دموکرات، دین در حال هجوم فرهنگی با ساخت‌های جامعه سکولار بوده است.»^۳ در همین حال پیتر برگر تجدید حیات دینی در ایالات‌متحده در دهه ۱۹۵۰ و

نیز انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی متأثر از آن را از مشکلات جدی تبیین‌کنندگی نظریات دین‌زدایانه می‌خواند و می‌نویسد: «اگر دین‌زدایی فرآیندی جهانشمول و اجتناب‌ناپذیر است تجدید حیات دین چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟»^۴ دانیل بل موفقیت مداوم «چادرهای تبلیغ مسیحیت» در ایالات متحده و نهضت‌های مشابه در سایر نقاط جهان را نتیجه یک نیاز وجودی و هستی‌شناختی می‌داند. آندرو گریلی معتقد است که با وجود برخی انحطاط‌ها برجسته‌ترین شاخصه‌های مذهبی جامعه آمریکا همچنان به قوت خود باقی است و حتی برخی همچون وست و گلدشتاین قدسی‌سازی و جادویی شدن دوباره جهان را مطرح کرده‌اند.^۵ جامعه‌شناسی معاصر برخلاف جامعه‌شناسی سنتی، دین را به مثابه مجموعه پاسخ‌های منسجم به سوالات هستی‌شناختی که هر جمع بشری با آن مواجه می‌شود در نظر می‌گیرد و در نتیجه تفسیر فردی را به همان میزان کارکرد اجتماعی دین از اهمیت برخوردار می‌داند. بنابراین به‌رغم تخصصی شدن^۶ و مستقل شدن هر چه روز افزون حوزه دین از سایر حوزه‌ها همچون اقتصاد، سیاست و اخلاق، دین نه تنها زنده و سر حال است بلکه از برزیل تا لهستان و از عراق تا هند در حال پیشرفت و ترقی نیز هست.

نهاد مرجعیت در دنیای مدرن

با پذیرش این مبنا آنگاه می‌توان به بررسی نحوه تعامل و ادامه حیات برخی از ساختارهای سنتی دینی در مقابل با امواج مدرنیته و دنیای جدید پرداخت. نهاد مرجعیت در آیین تشیع از دید برخی از این محققان که عمری قریب به ۲۰۰ سال دارد در زمره این ساختارهای سنتی به جای مانده از عصر پیشا جهانی شدن است که همچنان حی و حاضر به حیات خود ادامه می‌دهد. از دید یکی از این ناظران نهاد مرجعیت در عراق به ویژه پس از سقوط صدام از مثال‌های مبرز این پدیده محسوب

می‌شود^۷ که ناقض تئوری‌های جامعه‌شناسی سنتی دین است. از دید این محقق دلایل اینکه ساختار ۲۰۰ ساله مرجعیت شیعه در مقایسه با ساختارهای مشابه در جهان تسنن در مقابل اواج مدرنیته مقاومت کرده است از این قرارند: ۱- تشیع به‌طور عام و مرجعیت شیعی به‌طور عام در بسیاری از نقاط جهان اسلام اقلیت را تشکیل می‌دادند و از قدرت و دولت فاصله داشتند.

۲- مرجعیت شیعی در مواجهه با قدرت‌های استعماری نسبت به همتایان سنی توجه چندانی جلب نمی‌کردند.

۳- نهاد مرجعیت شیعه به شدت از لحاظ مالی مستقل از دولت‌ها بودند.

۴- و سرانجام تقلید مقلدان از مراجع شیعه این نهاد را قدرتمند و استوار حفظ کرد^۸ اگرچه دلیل دوم این محقق قابل نقد و رد است اما در مجموع دلایلی که در تداوم و ثبات نهاد مرجعیت شیعی در دو سده اخیر ذکر کرده قابل پذیرش می‌نماید.

مرجعیت و ادوار تاریخ اندیشه سیاسی شیعه

براساس یک تقسیم‌بندی اندیشه سیاسی شیعه در یگ نگرش کلی و تاریخی شاهد پنج دوره بوده است. در دوره اول یعنی دوران امامت (۱۰-۳۲۹ ه.ق) فلسفه و اندیشه سیاسی شیعه حول محور حضرت علی(ع) و ۱۱ تن از فرزندان و نوادگان او شکل گرفت و رفته رفته در طی ۲۵۰ سال تثبیت شد. این دوران با مرگ آخرین نایب خاص در سال ۳۲۹ ه.ق که اعلام شد امام دیگر با مردم ارتباط نخواهد داشت و نماینده‌ای خاص نیز در میان نخواهد بود پایان گرفت. دوره دوم دوران رویکرد به سلطان عادل (۳۲۹-۹۰۵ ه.ق) است. پس از آغاز غیبت کبرای امام دوازدهم و دوران نامعلوم انتظار، شیعیان تا حدودی دچار آشفتگی و سردرگمی شدند و این امر، در ابتدا تا اندازه‌ای تعادل و توازن